



جمهوری اسلامی ایران
 قوه قضائیه
 سازمان بازرسی کل کشور



دو هفته نامه علمی / تحلیلی سازمان بازرسی

هزینه‌های اقتصادی فساد: یک بررسی و شواهد جدید

۲۸



معاونت برنامه ریزی و مدیریت منابع
 مرکز پژوهش و برنامه ریزی
 معاونت پژوهشی
 آذر ۱۳۸۹



گزارش پژوهشی

سال سوم، شماره ۲۸، آذر ماه ۱۳۸۹

هزینه‌های اقتصادی فساد: یک بررسی و شواهد جدید

اکسل درهر و توماس هر سفلد

ترجمه: محمد جواد حق شناس و شعبان نجف پور

صاحب امتیاز: سازمان بازرسی کل کشور

مدیر مسئول: حسن صفرخانی

دبیر تحریریه: دکتر نوروز هاشم زهی

مدیر اجرایی: حسین قلجی

طرح جلد: مجید مقصودی

معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع

مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی

معاونت پژوهشی

تلفن: ۶۱۳۶۲۰۳۲

مطالب مندرج در این گزارش پژوهشی نشانگر دیدگاه نویسندگان آن بوده و لزوماً نمایانگر دیدگاه سازمان بازرسی کل کشور نمی‌باشد.
کلیه حقوق مربوط به سند حاضر متعلق به سازمان بازرسی کل کشور بوده و هرگونه انتشار مطالب آن بدون کسب اجازه از این سازمان، غیر مجاز می‌باشد.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
۱- مقدمه.....	۳
۲- ادبیات پیشین.....	۵
۳- شواهد تجربی.....	۱۹
۴- نتیجه گیری.....	۲۹
ضمائم.....	۳۲
فهرست منابع.....	۴۱

پیشگفتار

فساد تاثیرات مخربی بر حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به همراه دارد. در این بین اثر فساد بر اقتصاد نسبت به سایر حوزه‌ها ملموس‌تر و عینی‌تر است. فساد درآمد ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار داده و به دنبال آن توسعه کشورها را با چالش مواجه می‌کند. به این دلیل در سه دهه گذشته مقالات و پژوهشهای زیادی درباره این تاثیرات به رشته تحریر درآمده است.

در سالهای اخیر، پژوهشگران به روشهای کمی اقبال بیشتری نشان داده و سعی نموده‌اند با استفاده از آمار و روشهای اقتصادسنجی اثر فساد بر متغیرهای مختلف اقتصادی همچون رشد، تورم، سرمایه‌گذاری و غیره را بررسی نمایند. مقاله حاضر نیز بر اساس همین دیدگاه نوشته شده است. این مقاله که توسط دو پژوهشگر آلمانی نگارش یافته به بررسی هزینه‌های ناشی از فساد بر متغیرهای اقتصادی پرداخته و سعی نموده با بیان شواهد تجربی به تایید فرضیات خود بپردازد.

ویژگی ممتاز این مقاله نسبت به بسیاری از پژوهشهای مشابه، ارجاعات متعدد آن است که منبع خوبی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد تا بتوانند صحت و سقم فرضیات مطرح شده را مورد بررسی و کنکاش قرار دهند.

هرچند تعمیم این پژوهش به کشورهای مختلف قابل تامل است و یافته‌های آن لزوماً با دیدگاه‌های سازمان بازرسی منطبق نیست اما مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی سازمان بازرسی کل کشور در جهت آشنایی بیشتر پژوهشگران با تاثیرات کمی فساد و گشودن دریچه‌ای جهت پژوهش‌های بیشتر درباره تاثیر فساد بر متغیرهای اقتصادی به ترجمه این مقاله همت گماشته است.

حسن صفرخانی

رئیس مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی

۱ - مقدمه

در ادبیات اقتصادی درباره اثرات مخرب فساد بر روی توسعه اقتصادی کشورها به طور گسترده‌ای بحث شده است. پژوهشگران متعددی با استفاده از رهیافت‌های رسمی و تجربی نشان داده‌اند که فساد سبب کاهش سرمایه‌گذاری می‌شود، بهره‌وری را پایین می‌آورد، تخصیص منابع را منحرف می‌سازد و در نتیجه سبب کاهش رشد اقتصادی می‌گردد. این یافته‌ها در استراتژیهای سازمان‌های چندملیتی مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه انعکاس یافته است. مشهورترین نمونه‌های آن عبارتند از استراتژی مبارزه با فساد بانک جهانی در سال ۱۹۹۷، کنوانسیون سازمان همکاری اقتصادی و توسعه درباره مبارزه با پرداخت رشوه مأموران رسمی خارجی در قراردادهای تجاری بین-المللی در سال ۱۹۹۷ و کنوانسیون مبارزه با فساد سازمان ملل متحد (۲۰۰۳).

با وجود اینکه تأثیر فساد بر جنبه‌های خاصی از اقتصاد به کرات مورد بررسی قرار گرفته، اما تلاش برای تعیین هزینه‌های کلی فساد [در اقتصاد] اخیراً انجام شده است. هزینه‌های کمی فساد چیست؟ این سؤال است که در این مقاله به دنبال پاسخ به آن می‌باشیم. در این

مقاله از رگسیون برش مقطعی استفاده می‌کنیم که تأثیر فساد بر مهمترین متغیرهای پیش‌گفته را مشخص می‌کند. ترکیبی از تأثیرات مستقیم و مهمترین تأثیرات غیرمستقیم به ما این امکان را می‌دهد تا تأثیر هزینه‌های کلی فساد بر رشد اقتصادی کشورهای نمونه را برآورد نماییم.

بخش بعدی مقاله، ادبیات تجربی پیرامون پیامدهای فساد را بررسی می‌کند. در بخش سوم نتایج اقتصادسنجی خود را ارائه می‌کنیم و در نهایت، بخش چهارم به نتیجه‌گیری اختصاص دارد. این مقاله ادبیات تجربی پیرامون هزینه‌های اقتصادی فساد را مورد بررسی قرار می‌دهد و به نتیجه می‌رسد که فساد بر رشد اقتصادی، سرانه تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری، تجارت جهانی و ثبات قیمت‌ها و هزینه‌های دولت تأثیر منفی می‌گذارد. افزایش فساد تقریباً تا یک نمره در شاخص فساد، سبب کاهش رشد تولید ناخالص داخلی تا ۰/۱۳ درصد و سرانه تولید ناخالص داخلی تا ۴۲۵ دلار می‌گردد.

۲- ادبیات پیشین

از آنجا که فساد پدیده‌ای به قدمت تاریخ بشری است، تقریباً تمامی کشورها به نوعی آنرا تجربه نموده‌اند. از نظر هانتینگتون^۱ (۱۹۶۸)، فساد پدیده‌ای ناشی از نوسازی است که به احتمال زیاد بر توسعه اقتصادی تأثیر می‌گذارد در حالیکه میردال^۲ (۱۹۷۱) معتقد است که فساد موانع بسیاری را بر توسعه کشورها تحمیل می‌کند. این مباحث و ادبیات مرتبط در نوشته‌های باردهان^۳ (۱۹۹۷)، جین^۴ (۲۰۰۱) و ایدت^۵ (۲۰۰۳) نیز بیان شده است. اشلیفر و ویشنی^۶ (۱۹۹۳) به طور کامل تری نشان داده‌اند که فساد چگونه می‌تواند بر رفاه اقتصادی تأثیر بگذارد. آنها بین فساد همراه با سرقت و فساد بدون سرقت که مشخصه آن پرداخت رشوه همراه با قیمت قانونی برای بدست آوردن کالاها و خدمات خاص است، تمیز قائل شدند. آنها معتقدند که فساد تعادل تقاضا را کاهش می‌دهد و در نتیجه منجر به کاهش درآمدهای عمومی و آسیب به رفاه جامعه می‌گردد. در حالیکه تأثیر فساد بر عرضه و تقاضا به طور مستقیم قابل اندازه‌گیری کمی نیست، اما

1- HUNTINGTON

2- MYRDAL

3- BARDHAN

4- JAIN

5- AIDT

6- SHLEIFER and VISHNY

آسیب‌های رفاهی حتی اگر در شکل باشد، منجر به کاهش درآمدهای عمومی می‌گردد.

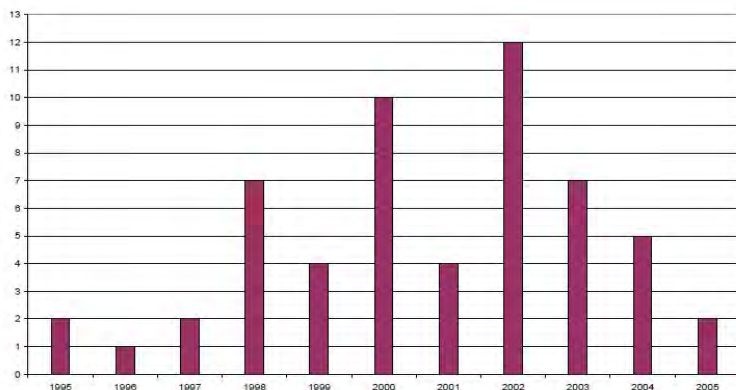
مطالعات تجربی پیرامون ارزیابی تأثیرات فساد بر رفاه، معمولاً بر تأثیر فساد بر شاخص‌های کلی به جای قیمت‌های واقعی کالا و خدمات تمرکز دارند. تا همین اواخر، در دسترس نبودن شاخص‌های مناسبی برای سنجش فساد مهمترین مانع انجام پژوهش‌های تجربی بوده است اما این امر به‌طور قابل ملاحظه‌ای در دهه ۹۰ تغییر یافت. در واقع در این دهه، سه گروه مختلف از شاخص‌های فساد ارائه شد: نخست، شاخص‌هایی مانند راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها^۱ و کسب و کار بین‌الملل^۲ که بر ارزیابی تجربیات کشوری مبتنی هستند. گروه دوم مربوط به پیمایش از تاجران و بازرگانان خارجی و داخلی یا پیمایش‌های عمومی هستند؛ مانند شاخص‌هایی که در گزارش توسعه جهانی^۳ (۱۹۹۷) آمده که توسط مجمع جهانی اقتصاد و مؤسسه مدیریت توسعه منتشر شده است. سومین و آخرین گروه به "شاخص شاخص‌ها" معروف می‌باشد و دربرگیرنده شاخص ادراک فساد سازمان شفافیت بین‌الملل و شاخص ترکیبی بانک جهانی است. این

¹ - International Country Risk Guide (ICRG)

² - Business International (BI)

³ - World Development Report (WDR)

دو شاخص ترکیبی از شاخص‌های متعدد فساد می‌باشند که هدف آنها گسترش پوشش کشوری و کاهش خطای اندازه‌گیری است. به دنبال کار اولیه مائورو (۱۹۹۵) - بکارگیری شاخص کسب و کار بین‌الملل - پژوهش‌های تجربی گسترده‌ای براساس شاخص‌های مذکور انجام گرفت. به عنوان مثال ناک و کیفر (۱۹۹۶) شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها را به ادبیات معرفی نمودند، جانسن (۱۹۹۸) و لامبسدورف (۱۹۹۸) از نخستین افرادی بودند که شاخص شفافیت بین‌الملل را بکار بردند. این شاخص‌ها، الهام بخش پژوهش‌های جدیدی گردید که منجر به تألیف بیش از ۵۰ مقاله درباره پیامدهای اقتصادی فساد شد. شکل زیر تعداد مقالات، کتابها و پروژه‌های منتشر شده در فاصله بین سالهای ۱۹۹۵-۲۰۰۵ را نشان می‌دهد.



بخش عمده‌ای از پژوهش‌های اخیر بر عوامل تعیین‌کننده رفاه اقتصادی مانند سطح سرانه تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد آن، کیفیت زیرساخت‌های عمومی، تخصیص هزینه‌های عمومی، سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تمرکز دارند که در ادامه ما به بررسی تاثیر فساد بر این متغیرها می‌پردازیم. اما قبل از پرداختن به این دستاوردهای تجربی، برخی مطالب کلی بایستی مطرح گردد. نخست اینکه، تحلیل‌های تجربی این پژوهش عمدتاً بر رویکردهای برش مقطعی مبتنی هستند. نتایج حاصل از این مطالعات شاید نتواند تاثیر فساد بر متغیر وابسته را به خوبی ارزیابی نماید، زیرا تحلیل‌گران بر آن دسته از ویژگی‌های غیر قابل مشاهده در هر کشور که در طی زمان چندان دچار تغییر نمی‌شوند، کنترلی ندارند. دوم، اکثر مطالعات تجربی نمی‌توانند ارتباط و همبستگی بین متغیرهای مختلف مانند شاخص‌های کیفیت نهادی، سرمایه‌گذاری و فساد را به خوبی تبیین نمایند و آن را از هم بشکافند. سوم، در عین آنکه آشکار است که کشورهای ثروتمندتر دارای سطح پائین‌تری از فساد هستند اما رابطه علی بین فساد و ثروت اقتصادی هنوز مورد مناقشه است و در نهایت اینکه، شاخص‌های موجود و گوناگون فساد با توجه به دوره زمانی و تعداد کشورهای مورد بررسی، متفاوت از هم می‌باشند اما در عین حال رابطه بین این شاخص‌ها تا حد زیادی نزدیک است.

سرانه و رشد تولید ناخالص داخلی

در بین نخستین تحلیل‌های تجربی درباره تأثیر فساد بر توسعه اقتصادی، مائورو (۱۹۹۵) بر مقوله رشد تولید ناخالص داخلی تأکید کرده است. وی برای سنجش فساد از شاخص کسب و کار بین‌الملل استفاده می‌کند. در بین ۶۸ کشور نمونه در این شاخص، که در هریک، از روش مستقلی برای ارزیابی استفاده شده است، کشوری که از بیشترین میزان فساد برخوردار بود از نظر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و همچنین سرمایه‌گذاری در سطح پایین‌تری قرار داشت. مطالعات متعددی این نتایج را تأیید نمودند. پژوهشگران دیگری مانند برونیتی^۱ (۱۹۹۷)، پویرسون^۲ (۱۹۹۸)، مو^۳ (۲۰۰۱)، ابد و داوودی^۴ (۲۰۰۲)، لیت و ویدمن^۵ (۲۰۰۲)، و برمپونگ^۶ (۲۰۰۲)، در تحقیقات خود از مفهوم سرانه رشد تولید ناخالص داخلی به‌عنوان متغیر وابسته استفاده نمودند. تمامی این پژوهش‌ها به تأثیر منفی فساد بر رشد اقتصادی اذعان نموده‌اند. در مطالعه جدیدتری، مئون و اسکات^۷ (۲۰۰۵) نشان دادند که فساد چگونه شاخص‌های حکمرانی

1 - BRUNETTI

2 - POIRSON

3 - MO

4 - ABED & DAVOODI

5 - LEITE & WEIDMANN

6 - BREMPONG

7 - MÉON & SEKKAT

خوب و رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فساد علاوه بر تأثیر بسیار منفی بر نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، حاکمیت قانون، اثربخشی دولت و به‌طور کلی نرخ‌های رشد را تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد. علاوه بر این، مئون و اسکات به این نتیجه رسیدند که در محیط‌هایی که در آن حاکمیت قانون، ضعیف و اثربخشی دولت، کم است، فساد آسیب بیشتری به رشد اقتصادی می‌رساند.

با این وجود، تأثیر منفی فساد بر رشد همیشه تأیید نشده است. پلگرینی و گرلاگ (2004) معتقدند که از نظر آماری هیچ رابطه مستقیم و قابل توجهی بین این دو مفهوم وجود ندارد اما به‌طور غیرمستقیم، فساد بر رشد اقتصادی تأثیر منفی فراوانی می‌گذارد مانند تأثیر بر سرمایه‌گذاری، آموزش و پرورش، سیاست‌های تجاری و ثبات سیاسی. جالب‌تر این است که بارتو¹ (۲۰۰۱) بعکس بیان نمود که رابطه مستقیم مثبت و قابل توجهی بین سرانه رشد تولید ناخالص داخلی و فساد وجود دارد (بر اساس همان شاخص‌های فساد که مائورو به کار گرفت).

درنهایت، راک و بونت^۲ (۲۰۰۴) کشورهای درحال توسعه شرق آسیا^۳ را مورد بررسی قرار داده‌اند که اغلب از آنها به‌عنوان استثنایی

¹ - BARRETO

² - ROCK and BONNETT

³ - این کشورها شامل چین، اندونزی، کره، ژاپن و تایلند هستند.

بر قانون کلی تأثیر منفی فساد بر رشد یاد می‌شود. این کشورها علی-
رغم اینکه دارای سطوح نسبتاً بالایی از ادراک فساد هستند، اما نرخ
رشد بالایی را در طول یک مدت زمان طولانی تجربه نمودند. این دو
بیان نمودند که در کشورهای مذکور، فساد تأثیر مثبت و قابل توجهی
بر رشد داشته، درحالیکه این تأثیر در دیگر کشورهای در حال توسعه،
منفی و بسیار چشمگیر بوده است.

چند دلیل می‌توان برای مورد کشورهای شرق آسیا بیان نمود:
نخست اینکه دولت متمرکز قدرتمند در مقایسه با بوروکراسی
غیرمتمرکز فساد به گونه بهتری می‌تواند اثرات منفی رشوه‌خواری را
کنترل و آنرا محدودتر کند (اشلیفر و ویشی، ۱۹۹۵). ریجا و تالویت^۱
(۲۰۰۰) توضیح دیگری برای این امر ارائه می‌دهند. آنها معتقدند که
در آسیا، فساد بخشی از هزینه‌های ثابت انجام کار است، درحالیکه در
آفریقا جزء هزینه‌های متغیر می‌باشد. البته تأثیر فساد بر سطح تولید
ناخالص داخلی مکرراً مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. جای
تعجب ندارد که بسیاری از این مقالات به تأثیر منفی فساد بر سطح
توسعه اقتصادی اذعان نموده‌اند (ارلیچ و لویی، ۱۹۹۹، کافمن، کری و
لوباتن، ۱۹۹۹، نیمان، پاسرمن و سیمن، ۲۰۰۴ و ولش، ۲۰۰۴). همانطور

¹ - REJA and TALVITIE

که در بالا ذکر شد، فساد از طرق و مجاری مختلفی می‌تواند بر توسعه اقتصادی تأثیر بگذارد. در ادامه به بررسی این مجاری می‌پردازیم.

سرمایه‌گذاری

در این بخش به دنبال کار اولیه مائورو (۱۹۹۵)، سهم سرمایه‌گذاری در تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیر مستقل در پژوهش‌ها بکار گرفته شد. بر اساس نتایج این پژوهش‌ها میزان سرمایه‌گذاری در کشورهای که از سطح بالاتری از فساد برخوردارند، پایین‌تر است. پژوهش‌های بسیاری که بر [نسبت] سرمایه‌گذاری ناخالص به تولید ناخالص داخلی تمرکز دارند، این نتایج را تأیید می‌کنند (مائورو، ۱۹۶۰، برونئی، کیسونکو و ودر ۱۹۹۸، برونئی و ودر ۱۹۹۸، کامپوس و پرادهان ۱۹۹۹، مو ۲۰۰۱، لامسدورف ۲۰۰۳).

جالب این‌که، این نویسندگان به تأثیر منفی و قابل توجه فساد بر روی سرمایه‌گذاری ناخالص و نیز سرمایه‌گذاری‌های خصوصی دست یافتند و بیان نمودند سطوح بالای فساد، مانع از سرمایه‌گذاری می‌شود. یکی دیگر از موضوعاتی که به‌طور جدی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، تأثیر فساد بر روی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. این دیدگاه که فساد همچون مالیات مانع از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود، در مطالعات تجربی وی^۱ (۲۰۰۰، ۱۹۹۹) و

^۱ - WEI

ایمارزینسکا^۱ و وی (۲۰۰۰) تأیید شده است. تأثیر افزایش شاخص فساد تا یک درجه، به اندازه افزایش نرخ مالیات تا ۷,۵ درصد است. همچنین ابد و داوودی (۲۰۰۲)، با بررسی کشورهای در حال گذار معتقدند فساد به طور چشمگیری منجر به کاهش ورود سرمایه گذاری خارجی می گردد.

تورم و نرخ ارز

بر طبق نظر المرهوبی (۲۰۰۰)، میزان تورم در کشورهای فاسد بسیار بالا می باشد. ابد و داوودی (۲۰۰۰)، با تمرکز بر کشورهای در حال گذار در اروپای مرکزی و شرقی، این رابطه را تأیید می کنند. بهمنی، اسکویی و نصیر (۲۰۰۲) پس از بررسی ۶۵ کشور به این نتیجه رسیدند که کشورهای دارای فساد بیشتر، به طور چشمگیری تمایل دارند تا نرخ ارز خود را کاهش دهند. این کاهش ارزش می تواند تأثیرات مثبتی بر کشورها و بخش های صادر کننده داشته باشد، اما به حجم انبوهی از کشورهای در حال توسعه [وارد کنندگان خالص] آسیب خواهد زد.

تجارت بین المللی

لامبسدورف (۱۹۹۸) در یک تجزیه و تحلیل کلی نشان داد که صادر کنندگانی که کشورشان از نظر فساد در سطح بالایی قرار دارد،

¹ - SMARZYNSKA

در بازار کشورهایی که میزان فساد در آنها نیز بالا است کمتر با ضررو زیان روبرو می‌شوند. وی در پژوهش خود از سهم بازار ۱۹ کشور بزرگ صادرکننده در ۸۶ بازار وارداتی، به‌عنوان متغیر وابسته استفاده نمود. در این تحقیق شاخص فساد کشور واردکننده، منفی و از نظر آماری معنی‌دار است. به‌عنوان مثال سهم بازار کشورهای صادرکننده - ای مانند بلژیک، فرانسه، ایتالیا و کره جنوبی افزایش می‌یابد درحالی‌که هلند و سوئیس سهم بازار نسبتاً کمتری را در کشورهای فاسد به خود اختصاص می‌دهند. هاینس با در نظر گرفتن میزان رقابت در بین صادرکنندگان آمریکا نشان داد که میزان رشد صادرات هواپیمای آمریکا، در بازارهای با فساد بالا، به‌طور قابل توجهی پائین می‌باشد.

هزینه‌ها و درآمدهای دولت و اقتصاد سایه

پژوهش‌های اخیر نشان داده است که فساد کیفیت زیرساخت‌های عمومی (دولتی) را پائین می‌آورد، هزینه‌های دولتی را تحت تأثیر قرار داده و هزینه‌های آموزشی و سلامت را کاهش می‌دهد. همچنین برخی پژوهش‌ها، فساد را به بخش غیررسمی مرتبط می‌سازند. مسئله کیفیت زیرساخت توسط تانزی و داوودی (۲۰۰۲) مورد بررسی قرار گرفت. بررسی آنها شامل ۶۸ کشور در فاصله زمانی بین سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۵ بود و به این نتیجه رسیدند که فساد کیفیت جاده‌ها را کاهش و میزان قطع برق را افزایش می‌دهد. علاوه بر این آنها به تأثیر

منفی و قابل توجه فساد بر درآمدهای عمومی دست یافتند. در پژوهش‌های دیگری که توسط این دو پژوهشگر اما با تعداد بیشتری از کشورها و همچنین توسط فریدمن^۱ (۲۰۰۰) با تمرکز بر سهم درآمدهای مالیاتی در تولید ناخالص داخلی، انجام گرفت، نتایج مشابهی بدست آمد. همچنین نتایج مطالعات تجربی فریدمن فرضیه آنها را تأیید می‌کند که فساد به میزان قابل ملاحظه‌ای اقتصاد سایه را افزایش می‌دهد. جانسن، کافمن و اشلیفر^۲ (۱۹۹۷)، ۴۷ کشور را در آمریکای لاتین، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، و اتحاد جماهیر شوروی سابق مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که رابطه مثبت و معنی‌داری بین شاخص‌های مختلف فساد و اقتصاد سایه وجود دارد. آنطور که آنها پی بردند رابطه بین سهم اقتصاد غیررسمی و حکومت قانون (شامل فساد) در تمامی ۷ شاخص، قوی و ثابت است و سهم اقتصاد غیررسمی در کشورهای فاسدتر، بیشتر است. همانطور که اکنون آشکار شده است، فساد می‌تواند به مثابه مالیات عمل کند یعنی کیفیت بوروکراسی و اعتماد به آن را تضعیف کند. در نتیجه کارآفرینان ممکن است از انجام کسب و کار در اقتصاد رسمی امتناع نمایند. هرچقدر بنگاه‌های اقتصادی ضعیف شوند مبنای درآمد دولتها نیز تضعیف می‌شود.

1- Friedman

2- Kaufmann and Shleifer

مائورو (۱۹۹۶؛ ۱۹۹۸) با در نظر گرفتن هزینه‌ها، شواهد روشنی در این خصوص پیدا کرد که فساد هزینه‌های دولت، در زمینه آموزش و پرورش را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر، دولت‌های فاسد تمایل بیشتری به افزایش هزینه‌های نظامی دارند (گوپتا، ملو و شاران، ۲۰۰۱).

شاخص‌های آموزشی و بهداشتی

تأثیر فساد بر شاخص‌های مختلف آموزشی و بهداشتی در پژوهش‌های متعددی مورد کنکاش قرار گرفته است. در بین آنها گوپتا، داوودی و تیونگسان (۲۰۰۲) به تأثیر منفی و قابل توجه فساد، بر روی مرگ و میر کودکان و نوزادان، سابقه تولد نوزاد با وزن کم، تولدهای بدون حضور کارکنان بهداشت و درمان و غیره دست یافتند. این نتایج در پژوهش‌های انجام شده توسط کافمن، کرای و لوباتون (۱۹۹۵) تأیید شده است. علاوه بر این کافمن بیان داشته که فساد تأثیر بسیار منفی بر سواد آموزی بزرگسالان دارد. این امر با نتیجه تحقیق مو (۲۰۰۱) سازگار است. او نشان داد که میانگین سالهای تحصیلی در کشورهای با فساد بیشتر، به‌طور قابل توجهی پایین است اما به عکس پلگرینی و گرلاق (۲۰۰۴)، به هیچ رابطه‌ای بین این دو متغیر دست نیافتند.

اثرات دیگر فساد

تأثیر فساد بر عملکرد نهادها امری بدیهی است. به عنوان مثال، فساد منجر به محدودیتهای بیشتر بر حسابرسی سرمایه‌ها می‌گردد (Wei, 2000c; Bai and Wei, 2000; Dreher and Siemers, 2003). هرسفلد و ویس^۱ رابطه بین فساد و حاکمیت قانون را مورد بررسی قرار داده و بیان نمودند که بین آن دو رابطه منفی و قوی وجود دارد. کشورهای فاسدتر، علاوه بر اینکه نهادها و سازمانهای آنها از مقبولیت پایین‌تری نزد شهروندان برخوردارند، از نهادهای سیاسی ضعیف‌تر و نظام قضایی ناکارآمدتری نیز برخوردار می‌باشند. همچنین مو نیز نشان می‌دهد که کشورهای فاسدتر دارای بی‌ثباتی سیاسی بیشتری هستند. برخی مطالعات به تأثیر فساد بر فقر و نابرابری پرداخته و به رابطه

مثبت و قوی بین فساد و نابرابری درآمد دست پیدا کردند (Gupta, Davoodi and Alonso-Terme, 2002; Barreto, 2001; Gyimah-Brempong, 2002). فوئلمی و اوشلین^۲ (۲۰۰۳) نشان دادند که افزایش فساد به طور معناداری با افزایش سطح درآمدی، ۲۰ درصد ثروتمندترین افراد جامعه ارتباط دارد. لی ژو و زو^۳ (۲۰۰۰) در بررسی‌های خود پیرامون شاخص فساد رابطه‌ای غیرخطی تخمین زده و به این نتیجه رسیدند که افزایش اولیه نابرابری درآمدی به خاطر

1- Herzfeld and Weiss

2 - Folellmi and Oechslin

3 - LI, XU and ZOU

فساد، در نهایت برعکس می‌شود. افزایش فساد منجر به افزایش نابرابری درآمدی تا سقف ۲,۹ در مقیاس صفر تا ۶ و همچنین تاثیر کاهنده پس از آن می‌شود.^۱

ولش^۲ (۲۰۰۴) تاثیر فساد را بر ویژگی‌های زیست محیطی تحلیل نموده و به اثر مثبت و معنادار فساد روی آلودگی محیط مانند غلظت SO₂ و NO₂ یا کل ذرات معلق در هوای شهری دست پیدا کرد. جالب اینکه زمانی که فساد در مفهوم استفاده از کود و آفت‌کش‌ها و انتشار آن مورد سنجش قرار گرفت، نتیجه این بود که هیچ رابطه معنی‌داری بین فساد و استرس محیطی وجود ندارد.

آلسینا و ودر^۳ (۲۰۰۲) با بررسی تاثیر فساد بر کمک‌های مالی خارجی، از نظر آماری به نتیجه چندان با اهمیتی درباره تاثیر این پدیده بر ورود کمک‌های چندجانبه دست نیافتند. این امر در مورد عفو بدهی‌ها نیز مصداق دارد. آلسینا و ودر در تجزیه و تحلیل جریان کمک‌های دو جانبه بر خلاف انتظار، جریان کمک بیشتری را از

1- این تحلیل هم نشان می‌دهد که نتایج قطعا به روش‌شناسی انتخاب شده بستگی دارد. برآورد انجام شده توسط ۲ SLS که به آستانه ۴,۷ منتج شده، دلالت بر سطح بسیار بالاتری دارد که در آن فساد، نابرابری را کاهش می‌دهد.

2 - Welsch

3 - Alesina and Weder

ایالات متحده آمریکا و جریان کمتری را از استرالیا و کشورهای اسکاندیناوی به کشورهای فاسد گیرنده یافتند.

۳- شواهد تجربی

در این بخش با دنبال نمودن چارچوب کلی مطرح شده توسط بارو (۱۹۹۷)، تاثیرات فساد را بر رشد اقتصادی و سرانه تولید ناخالص داخلی به صورت تجربی مورد بررسی قرار می‌دهیم. داده‌های بین بخشی ما میانگینی از سالهای ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۱ بوده و گستره‌ای شامل ۷۱ کشور را دربرمی‌گیرد. از آنجا که بعضی از داده‌ها برای همه کشورها یا سالها موجود نیست، تعداد مشاهدات به انتخاب متغیرهای تبیین‌کننده بستگی دارد. برای اندازه‌گیری فساد، مفاهیم مبتنی بر شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشورها (ICRG) را به کار گرفتیم. با این حال، شاخص را مجدداً بررسی نمودیم تا در مقیاس اصلی، سطوح بالاتر نشان دهنده فساد بیشتر باشد.

در حالی که تمرکز اصلی این تحلیل بر رشد اقتصادی و سرانه تولید ناخالص داخلی است، ما شش متغیر وابسته اضافه نیز به کار گرفته‌ایم. در بخش قبلی مشخص شده است که همه این متغیرها از فساد تاثیر پذیرفته‌اند. ما این متغیرها را وارد تحلیل خود کردیم چرا که برای برآورد تاثیر کلی فساد بر تولید ناخالص داخلی و رشد آن،

مجبوریم تاثیرات غیر مستقیم را نیز از طریق سایر عوامل مهم آن متغیرها ارزیابی نماییم. برای تعیین متغیرهایی که ممکن است در سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد آن سهم داشته باشند؛ ادبیات قبل را دنبال کردیم: سطح اولیه [سرانه تولید ناخالص داخلی] در سال ۱۹۷۰ را وارد نمودیم تا نرخ رشد ثابت کشور را اندازه گیری نماییم. [ثبت نام در مدارس متوسطه و امید به زندگی] به عنوان شاخص سرمایه انسانی به کار گرفته شدند. [سرمایه گذاری داخلی] بیشتر به عنوان سهمی از تولید ناخالص داخلی بایستی به نرخ رشد بالاتر منجر شود در حالی که یک بخش دولتی بزرگ ممکن است ناکارآمدی دولت و عقب نشینی بخش خصوصی را القاء نماید. علاوه بر این، آماده سازی زیرساخت های کارآمد و چارچوب حقوقی مناسب، سبب تقویت و تسریع رشد می شود (HANSSON, 2000). در پژوهش های انجام شده نشان داده شده است که [کمک های خارجی] معمولاً تأثیر مثبتی بر رشد می گذارد، زیرا این کمک ها امکان تامین مالی پروژه های توسعه را فراهم ساخته و به غلبه بر ناکارآمدی ها کمک می کند و یا اینکه برعکس و به طور منفی، تداوم بقای دولت های استبدادی را فراهم نموده و انگیزه برای توسعه را کاهش می دهد (به درهر ۲۰۰۴ نگاه کنید). در نهایت، مفهوم [نرخ تورم] کشور را که مطالعات پیشین اثر قابل توجه آن بر رشد نشان داده شده است، وارد نمودیم.

با این حال بیشتر متغیرهای مستقل در معادلات رشد و تولید ناخالص داخلی نیز به عنوان متغیرهایی تعیین شدند که از فساد تاثیر می‌پذیرند(نگاه کنید به مرور ادبیات در فوق).

طبق نظر گوپتا، داوودی و تیونگسان^۱(۲۰۰۲)، فرض گرفته می‌شود نرخ ثبت نام در مدارس، به هزینه‌های دولتی در آموزش و پرورش(به درصد GDP)، سن و درصد جمعیت شهری به کل جمعیت بستگی دارد. شاخص امید به زندگی با هزینه‌های بهداشت و درمان(به درصد GDP) و نسبت دختران به پسران در آموزش ابتدایی و متوسطه تبیین می‌شود(گوپتا، داوودی و تیونگسان ۲۰۰۲). تأثیر سرمایه‌گذاری بر درصد تولید ناخالص داخلی بر اساس GDP سال ۱۹۷۰، آزادی تجارت و نرخ ثبت نام در مدارس تشریح می‌گردد(مون و اسکات، ۲۰۰۵)، مصرف دولتی، با رشد واقعی GDP و نرخ تورم (در هر و ویوبل، ۲۰۰۴)، نرخ تورم نیز با مصرف دولتی(به درصد GDP) و میزان دستکاری رژیم نرخ مبادله ثابت تبیین می‌گردد(ابد و داوودی، ۲۰۰۲)، و تأثیر کمک مالی خارجی در درصد تولید ناخالص داخلی با انحراف بودجه و تراز حساب جاری(هر دو به درصد GDP)، یک شاخص دموکراسی و تولید ناخالص داخلی سرانه تبیین می‌شود(در هر و ویوبل، ۲۰۰۴).

ما با برآورد رگرسیون جداگانه برای ۸ متغیر وابسته تحلیل خود را شروع می‌کنیم (جدول ۱). جداول ۲ و ۳ شامل مجموعه‌ای از تمامی معادلاتی است که به طور مشترک برآورد شده‌اند که شامل رشد تولید ناخالص داخلی (جدول ۲) و یا تولید ناخالص داخلی سرانه (جدول ۳) است. همانطور که در جداول دیده می‌شود، نتایج قطعا بستگی به این دارد که آیا معادلات جداگانه برآورد شده‌اند یا به طور مشترک به شکل یک سیستم. در اینجا، نتایج را برای متغیرهای وابسته اختصاصی به طور جداگانه مورد بحث قرار می‌دهیم.

ثبت نام در مدارس و امید به زندگی

همانطور که در جداول ۱ تا ۳ مشاهده می‌شود ثبت نام در مدارس در یک جامعه مسن به طور قابل توجهی - با ضریب قابل توجه در سطح یک درصد در هر سه معادله - کمتر از جوامع دیگر است. ثبت نام در مدارس زمانی که به شکل یک سیستم برآورد می‌شود به طور معناداری متاثر از هزینه‌های آموزشی (یک درصد معنی‌داری) با ضریب مثبت است. بالعکس، شهرسازی در رگرسیون جدول ۱ تنها بر تحصیل - و فقط با ۱۰ درصد معنی‌داری - اثر می‌گذارد. همانطور که جداول نشان می‌دهد، امید به زندگی با بالاتر رفتن نسبت تحصیل دختران به پسران به طور معناداری افزایش می‌یابد. در تمامی این

رگرسیون‌ها این رابطه در سطح یک درصد، معنی‌دار است در حالی که هزینه‌های بهداشتی، امید به زندگی را به‌طور شگفت‌آوری تنها در رگرسیون‌های جدول ۱ افزایش می‌دهد.

نتایج نشان می‌دهد که امید به زندگی در کشورهای فاسد، به‌طور چشمگیری پایین است. درحالی که چنین نتایجی برای نسبت ثبت نام در مدارس وجود ندارد. تنها رگرسیون اختصاصی جدول ۱ اثرات منفی فساد در تحصیل را در سطح ۵ درصد از معنی‌داری نشان می‌دهد. ضرایب نشان می‌دهد که این تاثیر از لحاظ کمی دارای اهمیت است. افزایش در شاخص فساد تا یک درصد سبب می‌شود که ثبت نام در مدارس [تقریباً] تا ۵ درصد و امید به زندگی در حدود دو سال و نیم کاهش یابد. این موضوع تاییدکننده نتایج قبلی است. به عنوان مثال مو (2001)، نشان داد که یک درصد افزایش در شاخص فساد، میانگین تحصیل را به‌طور متوسط تا ۰٫۲۵ سال کاهش می‌دهد.

سرمایه‌گذاری

در تمامی معادلات در نظام‌هایی که از آزادی تجارت بیتشری برخوردارند، میزان سرمایه‌گذاری (به عنوان درصدی از GDP) به‌طور معناداری بیشتر است. سطح تولید ناخالص داخلی سال ۱۹۷۰،

سطح سرمایه‌گذاری را در دو رگرسیون به‌طور چشمگیری کاهش می‌دهد؛ زمانی که معادلات باهم برآورد می‌شود، جمعیت دارای تحصیلات عالی‌تر نشانگر سرمایه‌گذاری بیشتر است.

این شگفت‌آور است که، میزان سرمایه‌گذاری در هیچ رگرسیونی به‌طور معنادار متاثر از فساد نیست. این موضوع مخالف نتایج پلگرینی و گرلاگ^۱ (۲۰۰۴) است که به این نتیجه رسیدند یک درجه افزایش در فساد، سرمایه‌گذاری را تا حدود ۲٫۵ درصد کاهش می‌دهد. بر طبق نظر مائورو (۱۹۹۵) این تاثیر بالغ بر ۲٫۹ درصد است همچنین وی برآوردهایی بین ۲٫۳ تا ۴٫۵ درصد نیز ارائه کرده است.

هزینه‌های دولتی

همانطور که بیان شد هیچ نتیجه مورد اجماعی درباره کوواریانس در این سه معادله وجود ندارد. طبق نتایج جداول ۱ و ۳ هزینه‌های دولتی (به عنوان درصدی از GDP) به‌طور معنادار، متاثر از رشد تولید ناخالص داخلی و تورم نیست درحالی که جدول ۲ ضریب معناداری را برای هر دو متغیر نشان می‌دهد. بر اساس آن نتایج، زمانی که اقتصاد، در حال رشد و تورم، بالاست هزینه‌ها پایین‌تر است. فساد،

1- Pellegrini and Gerlagh

هزینه‌ها را در رگرسیون جداول ۱ و ۲ کاهش می‌دهد اما تأثیر آن در مجموعه شامل سرانه تولید ناخالص داخلی (جدول ۳) حاشیه‌ای و جزئی است. اندازه ضرایب نشان می‌دهد که افزایش فساد تا یک درصد، هزینه‌ها را بین ۱,۳ و ۳ درصد کاهش می‌دهد.

تورم

زمانی که نرخ ارز ثابت نگه داشته می‌شود، تورم به طور قابل توجهی پایین‌تر است. هزینه‌های دولت هیچ تأثیر معناداری بر تورم ندارد. فساد تنها در یکی از سه رگرسیون و فقط در سطح ۱۰ درصد معناداری تأثیرگذار است. هنگامی که تورم به عنوان جزئی از مجموعه شامل رشد اقتصادی برآورد می‌شود، افزایش در شاخص فساد تا یک درصد، نرخ تورم را در حدود ۴۵ درصد کاهش می‌دهد. تأثیر منفی تورم بر فساد، با نتیجه پژوهش المرهوبی (۲۰۰۰) سازگار نیست. نتایج وی نشان می‌دهد کاهش فساد تا یک درصد، میانگین تورم سالانه را تا ۰,۱۷ الی ۰,۲۶ درصد کاهش می‌دهد.

کمک‌های مالی خارجی

زمانی که کشورها دارای مازاد بودجه جاری بوده و دموکراتیک-تر هستند- در دو رگرسیون- کمک‌ها(به عنوان درصدی از GDP)

به طور معناداری پایین تر است. با این حال همانطور که دیده می شود کمک‌ها به همراه سرانه تولید ناخالص داخلی در نتایج جدول ۳ کاهش و در نتایج جدول ۲ افزایش می یابد. با در نظر گرفتن فساد، تنها در یک رگرسیون، ضریب معنادار می یابیم (که در جدول ۲ گزارش شده است). ضریب- با سطح معناداری ۵ درصد- نشان می دهد کمک‌ها با فساد افزایش می یابد. این نکته در تضاد با یافته‌های آلسینا و ودر (۲۰۰۲) است. آنها با بررسی شاخصهای مختلف فساد (۱۷ شاخص)، در ۱۱ مورد بین فساد و جریان کمک‌های خارجی رابطه مثبت پیدا کردند. با این حال، همه این ضرایب بجز یک مورد از لحاظ آماری کمتر از ۱۰ درصد، معنادار بودند.

سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد آن

با بازگشت دوباره به هزینه‌های فساد بر حسب سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد آن، بر دو مجموعه‌ای که در جداول ۲ و ۳ نشان داده شده متمرکز خواهیم شد. در هر دوی این سیستم‌ها، شاخص فساد به- طور مشترک در سطح ۵ درصد معنی دار است. با در نظر گرفتن رشد تولید ناخالص داخلی، جدول ۲ نشان می دهد که با سرمایه گذاری بیشتر، هزینه‌های دولتی کمتر، تورم پایین تر، کمک‌های دریافتی کمتر و البته با فساد کمتر، رشد اقتصادی به طور معناداری بالاتر می رود.

به منظور برآورد تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم فساد بر رشد، تنها ضرایبی را به حساب می‌آوریم که در معادله رشد، حداقل در سطح ۱۰ درصد معنی‌دار هستند. به عنوان مثال یک درصد افزایش در شاخص فساد هزینه‌های دولتی را (به درصد GDP) تا ۱,۹۶ درصد کاهش می‌دهد. در مقابل، یک درصد افزایش در مصرف دولتی، رشد اقتصادی را تا ۰,۲۳ درصد در هر سال کاهش می‌دهد. بنابراین تاثیر کلی افزایش شاخص فساد از طریق هزینه‌های دولت (حتی تا یک درصد)، دارای تأثیری برابر با افزایش رشد اقتصادی به مقدار ۰,۴۵۱ درصد است. به همین طریق محاسبه تاثیرات غیرمستقیم برای همه متغیرها نتایج زیر را به همراه دارد: یک درصد افزایش در شاخص فساد سبب می‌شود که رشد از طریق سرمایه‌گذاری تا ۰,۱۲۹ درصد و از طریق تورم تا ۰,۲۲۵ درصد افزایش یافته و برعکس از طریق کمک‌های خارجی تا ۰,۱۰۶ درصد کاهش یابد.

به‌طور کلی می‌توان گفت که در هر سال تاثیر مستقیم فساد بر رشد اقتصادی بالغ بر ۰,۱۳ درصد می‌شود. این برآورد در مقایسه با ادبیات پیشین، پایین‌تر است. با توجه به برآوردهای آیزنمن و گلیک^۱(۲۰۰۳)، با کاهش فساد تا حد یک درصد، رشد تولید ناخالص داخلی تا ۰/۵ درصد افزایش خواهد یافت که گیما و

برمپونگ^۱ (۲۰۰۲) این تاثیر را در محدوده ۰,۳۹ تا ۰,۴۱ برآورد نموده‌اند.

با برگشت به سرانه تولید ناخالص داخلی نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که تنها چهار متغیر از تاثیر معنی‌دار برخوردارند. سرانه تولید ناخالص داخلی با GDP اولیه بالاتر، ثبت‌نام پایین‌تر در مدارس، سرمایه‌گذاری بالاتر و فساد کمتر افزایش می‌یابد. همانطور که در جدول دیده می‌شود کاهش شاخص فساد تا یک درصد، سرانه تولید ناخالص داخلی را تا حدود ۶۸۳ دلار آمریکا در سال ۱۹۹۵ به‌طور مستقیم کاهش می‌دهد. با در نظر گرفتن تاثیرات غیرمستقیم، یک درصد افزایش در شاخص فساد، سرانه تولید ناخالص داخلی را تا ۲۸ دلار آمریکا از طریق ثبت نام در مدارس و تا ۲۸۶ دلار آمریکا از طریق سرمایه‌گذاری، افزایش می‌دهد. بنابراین رویهمرفته یک درصد افزایش در شاخص فساد، سرانه تولید ناخالص داخلی را تا ۴۲۵ دلار (به‌طور سالانه) کاهش می‌دهد.

در مرحله بعد، این ارزیابی‌ها را برای محاسبه هزینه‌های فساد در اقتصاد به کار می‌گیریم. هزینه‌های فساد را برای هر کشور نمونه، که دارای سطح فسادى بیشتر از میانگین جامعه آماری بود، محاسبه می‌-

2- Gyimah-Brempong

کنیم. میانگین نمونه یعنی ۲,۹۱ نزدیک به سطح فساد در کویت، کرواسی، زیمبابوه، ترکیه و تایلند است. جدول ۴ نتایج تاثیر مستقیم و کلی فساد را نشان می‌دهد. همانطور که دیده می‌شود، نتایج هزینه‌های مستقیم فساد بین کاهش امتیاز سالانه ۰,۰۴ درصد برای سوریه و ۱,۶۶ درصد برای لیبیا متغیر است.

جدول ۵، هزینه‌های فاسد بودن بیشتر از میانگین جامعه آماری را برای هر کشور را برحسب سرانه تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که هزینه‌های فساد قابل توجه است. بیشترین آسیب و زیان ناشی از فساد، مربوط به لیبیا است. بر اساس میانگین واقعی تولید ناخالص داخلی یعنی ۵۳۵ دلار در سال ۱۹۹۵ در طول دوره ۱۹۷۰-۲۰۰۱، آسیب و زیان کلی ناشی از بالاتر بودن سطح فساد بیشتر از میانگین، به طور متوسط به بیش از ۱۰۰ درصد می‌رسد.

۴- نتیجه‌گیری

بانک جهانی (۲۰۰۱) فساد را تنها مانع بزرگ در راه توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌داند. ارزیابی‌های اخیر (۲۰۰۴) این بانک نشان داده است که در هر سال بیش از یک تریلیون دلار رشوه پرداخت شده و کشورهایی که با فساد مبارزه کنند و حکمرانی و

حاکمیت قانون خود را بهبود دهند، می توانند درآمد سرانه خود را تا ۴۰۰ درصد افزایش دهند. این نتایج به تازگی توسط درهر، کوسوجیانیس و مک کوریستون^۱ تأیید شده است (۲۰۰۴، a, 2004b). آنها با استفاده از یک معادله ساختاری، رهیافتی را مدل-سازی می کنند که فساد را به عنوان متغیر نهفته اندازه گیری می کند. این روش، وقوع فساد در سراسر کشور را به طور مستقیم به علل و شاخص فساد مرتبط می داند و نه به نظرسنجی مبتنی بر ادراک. در نتیجه، شاخص آنها از فساد، هم توصیفی و هم ترتیبی است که امکان محاسبه زیان های اقتصادی ناشی از فساد را به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی، فراهم می سازد. درهر، کوسوجیانیس و مک-کوریستون بر اساس نمونه ای شامل ۱۰۰ کشور با پوشش ۵ دوره زمانی مختلف، نشان می دهند که زیان های ناشی از فساد به ویژه در آفریقای پایین صحرا بالا بوده و از دهه ۱۹۸۰ در اقتصادهای در حال گذار، در حال افزایش است. با توجه به نتایج این تحقیق در سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۷ گینه بیسائو با از دست دادن تقریباً ۷۰ درصد از تولید ناخالص داخلی بالقوه خود، فاسدترین کشور جهان بوده است اما برای دوره ۲۰۰۲-۱۹۹۸، با استفاده از مجموعه متغیرهای متفاوت،

1- Dreher, Kotsogiannis and Mccorrison

میزان خسارت بسیار پایین تر بوده است یعنی در حدود ۲۷ درصد از تولید ناخالص داخلی.

در این مقاله، به دنبال استراتژی متفاوتی بوده‌ایم و با استفاده از تحلیل برش مقطعی ساده، اثر فساد بر رشد اقتصادی و سرانه تولید ناخالص داخلی را در سیستمی که عوامل اصلی آن نیز متأثر از فساد هستند، برآورد نمودیم. با محاسبه اثرات مستقیم و غیرمستقیم فساد با استفاده از روش رگرسیونی، هزینه‌های فاسد بودن بیشتر از میانگین را برای هر کشور تخمین زدیم. نتایج نشان می‌دهد که این هزینه‌ها، قابل توجه هستند. با این حال، نتایج حاکی از این است که این ارزیابی‌ها را بایستی با احتیاط تفسیر نمود. به عنوان مثال مقایسه نتایج رگرسیون جدول ۱ با رگرسیونهای سیستمی جداول ۲ و ۳، نشان می‌دهد که نتایج قطعاً به روش ارزیابی بستگی دارد. پژوهش‌های قبلی نشان داده است که این ارزیابی‌ها به انتخاب روش‌ها و شاخص‌های سنجش فساد، پوشش کشور و دوره ارزیابی بستگی دارد. این موضوع نشان می‌دهد که در محاسبه هزینه‌های فساد، رویکردهای جایگزین، به عنوان مکمل مفید در تحلیل اقتصادسنجی سنتی، باید مورد توجه قرار گیرد.

ضمائم

جدول ۱: تأثیر فساد، (برش مقطعی، میانگین ۲۰۰۱-۱۹۷۵)

هزینه‌های دولتی (درصد GDP)		سرانه‌گذاری (درصد GDP)		انمند به زندگی		بیت نام در مدارس	
رشد GDP	۰.۳۶ (۱.۱۱)	GDP اولیه	۰.۷۷ (۲.۰۹)	هزینه‌های بهداشت و درمان	۰.۳۴ (۰.۵۱)	هزینه آموزش و پرورش	۰.۳۴ (۰.۵۱)
تورم	۰.۰۲ (۰.۰۶)	آزادگی تجارت	۰.۳۹ (۷.۹۸)	نسبت دهنان به بسران در مدارس	-۸۱.۶ (۵.۳۱)	نسبت و انسنگی سنی	-۸۱.۶ (۵.۳۱)
فساد	-۱.۷۵ (۴.۳۷)	بیت نام در مدارس	-۲.۵۳ (۳.۹۹)	فساد	-۰.۲ (۱.۷۴)	جمعیت شهری (درصد کل)	-۰.۲ (۱.۷۴)
عقدار ثابت	۱۱.۹۷ (۶.۴۵)	فساد	۱۶.۰۹ (۴.۱۸)	عقدار ثابت	-۴.۶۵ (۲.۳۴)	فساد	-۴.۶۵ (۲.۳۴)
		عقدار ثابت				عقدار ثابت	۷۱.۸۴ (۴.۱۴)
						عقدار تساعادات	۱۳۴
						R ²	۰.۴۷

ادامه جدول ۱

نوع		کمک (درصد GDP)		رشد (GDP)	سرهانه (GDP)
هزینه دولتی (درصد GDP)	۲,۱۲ (۰,۲۷۹)	تخاص نمودگراسی	-۰,۴۰ (۲,۱۹)	(GDP) اولسه سال ۱۹۷۰	-۰,۳۳ (۱,۱۵)
لرخ بیدانه ثابت	-۳۳۳,۱۳ (۴,۶۹)	گسری بودجه کل (درصد GDP)	-۰,۳۰ (۱,۴۹)	ثبت نام در عبارین	۱,۴۴۸ (-۰,۱۳)
کسان	۱۰,۶۷ (۰,۹۹)	(GDP) سرانه	-۰,۲۰۰۲ (۱,۳۰)	امیدیه (دلانی)	۳۶۰۳ (۰,۲۶)
مقدار ثابت	۳۳۴,۴۶ (۴,۳۰)	تراز حساب جاری (درصد GDP)	-۰,۴۴ (۳,۶۱)	سرماده گذاری (درصد GDP)	۱۱۶,۳۶ (۲,۳۸)
		کسان	-۰,۳۸ (۰,۵۳)	هزینه دولت (درصد GDP)	-۳۸,۳ (۰,۲۹)
		مقدار ثابت	۳,۴۷ (۱,۶۶)	نورم	-۰,۹۰۳ (-۰,۲۳)
				کمک (درصد GDP)	-۱,۶۸۲ (-۰,۳۳)
				کسان	-۸۷۴,۴۶ (۲,۸۳)
				مقدار ثابت	-۵۲۳۵,۴۶ (۲,۲۳)
تعداد مشاهدات	۱۰۳		۹۷		۷۱
R ²	۱۶		۰,۳۷		۰,۷۴

جدول ۲: تأثیر فساد، سیستم شامل رشد اقتصادی (برش مقطعی، ۵۴ کشور، میانگین ۲۰۰۱-۱۹۷۵)

نیت نام در مدارس	امده به زندگی		سرمایه گذاری (درصد GDP)		هزینه‌های دولتی (درصد GDP)	
هزینه آموزش و پرورش (درصد GDP)	۵.۲۸ (۳.۳۶)	هزینه‌های بهداشت و درمان	۰.۱۰ (۰.۲۰)	GDP اولنه (۱۹۷۰)	-۰.۰۰۰۴ (۲.۸۹)	رشد GDP -۳.۵۱ ۵.۵۵۹
نسبت وابستگی سنی	-۹۲.۵۲ (۴.۶۸)	نسبت دختران به پسران در مدارس	۰.۳۱ (۴.۶۴)	آزادی تجارت	۰.۰۵ (۴.۱۴)	بورس -۰.۰۲ (۳.۷۶)
جمعیت شهری (درصد کل)	-۰.۰۰۹ (۰.۷۱)	فساد	-۲.۲۶ (۱.۹۲)	نیت نام در مدارس	۰.۱۵ (۴.۱۰)	فساد -۱.۹۶ (۲.۸۸)
فساد	-۰.۹۸ (۰.۳۷)	مقدار ثابت	۲۷.۳۰ (۵.۰۲)	فساد	۰.۹۹ (۱.۱۰)	مقدار ثابت ۲۰.۲۲ (۶.۰۹)
مقدار ثابت	۸۴.۹۱ (۳.۸۹)			مقدار ثابت	۱۸.۳۳ (۷.۰۴)	
R ²	۰.۲۳		۰.۴۶		۰.۰۹	-۰.۶۶

ادامه جدول ۲

تورم		گمک (درصد GDP)		رشد (GDP)	
هزینه دولتی (درصد GDP)	-۶,۲۶ (۱,۳۲)	شاخص دموکراسی	-۰,۴۱ (۲,۲۸)	(GDP) اولیه سال ۱۹۷۰	۰,۰۰۰۲ (۰,۴۳)
نرخ مبادله ثابت	-۳۱۶,۷۳ (۳,۴۵)	کسری بودجه کل (درصد GDP)	-۰,۱۱ (۰,۷۰)	ثابت نام در مدارس	-۰,۰۰۲ (۰,۱۳)
فساد	-۴۴,۹۱ (۱,۷۷)	(GDP) سرانه	۰,۰۰۰۵ (۲,۹۲)	امید به زندگی	-۰,۱۰ (۱,۵۸)
مقدار ثابت	۲۸۹,۹۷ (۲,۳۰)	تراز حساب جاری (درصد GDP)	-۰,۷۶ (۶,۲۴)	سرعایه گذاری (درصد GDP)	۰,۱۳ (۲,۹۶)
		فساد	۱,۵۱ (۲,۱۸)	هزینه دولت (درصد GDP)	-۰,۲۳ (۳,۹۸)
		مقدار ثابت	۵,۳۸ (۲,۸۴)	تورم	-۰,۰۰۵ (۲,۶۸)
				گمک (درصد GDP)	-۰,۰۷ (۱,۶۹)
				فساد	-۰,۸۳ (۳,۰۲)
				مقدار ثابت	۸,۱۳ (۲,۵۱)
R۲	۰,۱۵		۰,۶۹		۰,۰۱

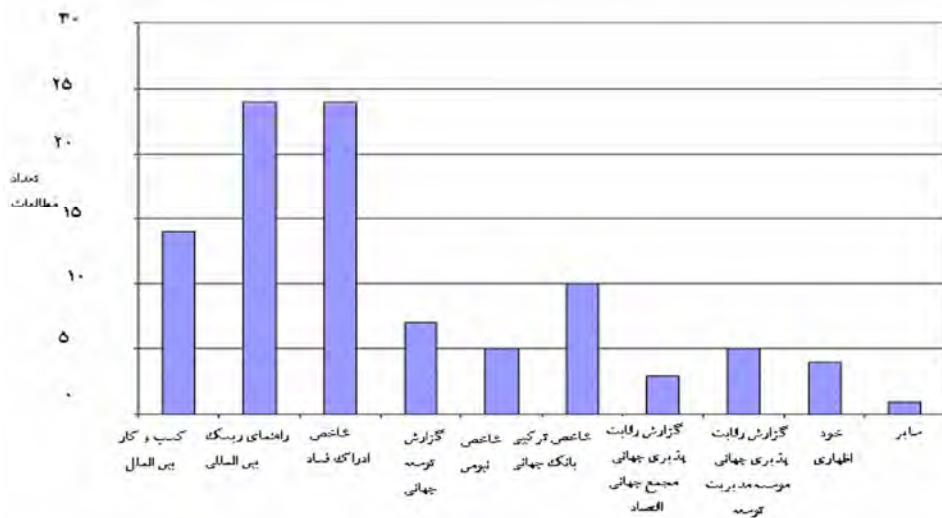
جدول ۳: تأثیر فساد، سیستم شامل سرانه تولید ناخالص داخلی (بوش مقطعی، ۵۴ کشور، میانگین ۲۰۰۱-۱۹۷۵)

تبت نام در معادلس		اعدد به زندگی		سرانه فناوری (درصد GDP)		هزینه‌های دولتی (درصد GDP)
هزینه آموزش و پرورش (درصد GDP)	۴,۶۸ (۲,۸۹)	هزینه‌های بهداشت و درمان	۰,۱۷ (۰,۲۳)	GDP اولیه (۱۹۷۰)	۰,۰۰۴ (۲,۹۵)	رشد GDP -۰,۵۷ (۱,۴۷)
نسبت وابستگی نسبی	-۸۹,۲۲ (۴,۴۹)	نسبت ذخایر به پیمان در معادلس	۰,۲۳ (۴,۷۸)	آزادی تجارت	۰,۰۶ (۵,۴۳)	بورس -۰,۰۰۵ (۰,۷۵)
جذب سپری (درصد کل)	-۰,۰۰۳ (۰,۰۳)	فساد	-۲,۰۳ (۱,۷۱)	تبت نام در معادلس	۰,۱۶ (۴,۲۵)	فساد -۱,۳۱ (۱,۶۲)
فساد	-۰,۶۹ (۰,۱۹)	عقدار ثابت	۲۵,۰۸ (۴,۴۷)	فساد	۱,۲۱ (۱,۳۵)	عقدار ثابت ۱۲,۴۳ (۴,۹۵)
عقدار ثابت	۸۱,۶۸ (۳,۷۲)			عقدار ثابت	۱۷,۷۸ (۶,۸۷)	
R ²	۰,۳۵		۰,۴۶		۰,۰۵	۰,۰۵

ادامه جدول ۳

نوع		گمک (درصد GDP)		سزانه (GDP)	
هزینه دولتی (درصد GDP)	-۲,۶۴ (۰,۵۳)	شاخص دموکراسی	-۰,۲۸ (۱,۴۶)	(GDP) اولیه سال ۱۹۷۰	۰,۵۹ (۸,۴۰)
نرخ مبادله ثابت	-۳۶۳,۰۱ (۳,۸۱)	کسری بودجه کل (درصد GDP)	۰,۰۸ (۰,۴۹)	تیمه نام در مدارس	-۴۰,۳۱ (۱,۸۹)
فساد	-۳۹,۱۳ (۱,۵۴)	(GDP) سزانه	-۱,۰۷ (۱,۷۹)	امید به زندگی	۱۱۹,۱۱ (۱,۵۸)
مقدار ثابت	۳۹۵,۶۲ (۳,۲۸)	تراز حساب جاری (درصد GDP)	-۰,۶۹ (۵,۵۳)	سرمایه گذاری (درصد GDP)	۲۳۶,۵۶ (۳,۹۲)
		فساد	۰,۵۵ (۰,۷۹)	هزینه دولت (درصد GDP)	۳۱,۴۰ (۰,۳۹)
		مقدار ثابت	۱۲,۰۸ (۲,۹۰)	بوزم	۱,۲۴ (۰,۵۴)
				گمک (درصد GDP)	-۹,۰۰ (۰,۱۵)
				فساد	-۶۸۳,۳۲ (۲,۱۰)
				مقدار ثابت	-۱۳۴۸۵,۹۱ (۳,۲۳)
R۲	۰,۲۳۲		۰,۶۹۷		۰,۷۰۱

شکل ۸۱: استفاده از شاخص‌های فساد در مطالعات تجربی پیرامون عواقب و پیامدهای فساد



جدول ۴: میانگین کاهش سالانه رشد تولید ناخالص داخلی، به علت بالا بودن میانگین فساد

کشور	مجموع	مستقیم	کشور	مجموع	مستقیم
لیبیا	۰/۲۶	۱/۶۶	اوگاندا	۰/۰۸	۰/۴۸
بنگلادش	۰/۲۳	۱/۴۷	مصر	۰/۱۰۷	۰/۴۶
هائیتی	۰/۲۱	۱/۳۳	اتیوپی	۰/۰۷	۰/۴۴
پاراگوئه	۰/۲۰	۱/۳۶	کامرون	۰/۰۷	۰/۴۱
کابون	۰/۱۹	۱/۲۲	جامائیکا	۰/۰۷	۰/۴۱
اندونزی	۰/۱۹	۱/۱۷	امارات	۰/۰۶	۰/۳۹
عراق	۰/۱۶	۱/۰۳	قزاقستان	۰/۰۵	۰/۳۴
سودان	۰/۱۶	۱/۰۱	نیجر	۰/۰۵	۰/۳۲
میانمار	۰/۰۶	۰/۹۹	ویتنام	۰/۰۵	۰/۳۱
نیجریه	۰/۱۵	۰/۹۴	زامبیا	۰/۰۴	۰/۳۷
کویاب	۰/۱۴	۰/۸۷	کولمبیا	۰/۰۴	۰/۲۵
مالی	۰/۱۴	۰/۸۷	یوگسلاوی	۰/۰۴	۰/۲۵
سیرالئون	۰/۱۲	۰/۷۸	اوکراین	۰/۰۴	۰/۲۴
ارمنستان	۰/۱۲	۰/۷۴	کلمبیا	۰/۰۴	۰/۲۳
آذربایجان	۰/۱۲	۰/۷۶	غنا	۰/۰۳	۰/۲۰
کینه بیسائو	۰/۱۲	۰/۷۶	کنیا	۰/۰۳	۰/۱۸
هندوراس	۰/۱۲	۰/۷۶	سورینام	۰/۰۲	۰/۱۵
مولداوی	۰/۱۲	۰/۷۶	انگولا	۰/۰۲	۰/۱۳
پاناما	۰/۱۲	۰/۷۶	السالوادور	۰/۰۲	۰/۱۳
قطر	۰/۱۲	۰/۷۶	کوبا	۰/۰۲	۰/۱۲
توگو	۰/۱۱	۰/۷۶	هند	۰/۰۲	۰/۱۱
پاکستان	۰/۱۱	۰/۶۹	مراکش	۰/۰۲	۰/۱۱
باهاما	۰/۱۱	۰/۶۸	ترینیداد و توباگو	۰/۰۲	۰/۱۱
لبنان	۰/۰۹	۰/۶۶	کویت	۰/۰۱	۰/۰۹
بولیوی	۰/۰۹	۰/۵۶	زیمبابوه	۰/۰۱	۰/۰۹
فدراسیون روسیه	۰/۰۹	۰/۵۵	تایلند	۰/۰۱	۰/۰۸
عربستان سعودی	۰/۰۹	۰/۵۵	کرواسی	۰/۰۱	۰/۰۶
سومالی	۰/۰۹	۰/۵۴	ترکیه	۰/۰۱	۰/۰۶
فیلیپین	۰/۰۸	۰/۵۰	سوریه	۰/۰۱	۰/۰۴

جدول ۵ میانگین کاهش سالانه در سرانه تولید ناخالص داخلی، به علت بالا بودن میانگین فساد (بر اساس دلار سال ۱۹۹۵)

کشور	مجموع	مستقیم	کشور	مجموع	مستقیم
لیبریا	۸۴۷	۱۳۶۳	اوگاندا	۲۴۵	۳۹۵
بنگلادش	۷۵۲	۱۲۱۱	مصر	۲۳۳	۳۷۶
هائیتی	۶۸۲	۱۰۹۷	اتیوپی	۲۲۴	۴۶۱
پاراگوئه	۶۴۶	۱۰۴۰	کامرون	۲۱۰	۳۳۸
کابون	۶۲۳	۱۰۰۲	جامائیکا	۲۱۰	۳۳۸
اندونزی	۵۹۹	۹۶۴	امارات	۱۹۸	۳۱۹
عراق	۵۲۸	۸۵۰	قزاقستان	۱۷۵	۳۸۱
سودان	۵۱۷	۸۳۱	نیجریه	۱۶۳	۲۶۱
میانمار	۵۰۵	۸۱۲	ویتنام	۱۵۷	۲۵۲
نیجریه	۴۸۱	۷۷۴	زامبیا	۱۳۹	۳۲۴
کویت	۴۴۶	۷۱۷	کواتمالا	۱۲۷	۲۰۵
مالی	۴۴۶	۷۱۷	یوگسلاوی	۱۲۷	۲۰۵
سیرالئون	۳۹۹	۶۴۳	اوکراین	۱۲۱	۱۹۵
ارمنستان	۳۸۷	۶۲۳	کلمبیا	۱۱۶	۱۸۶
آذربایجان	۳۸۷	۶۲۳	غنا	۱۰۴	۱۶۷
کینه بیسانو	۳۸۷	۶۲۳	کنیا	۹۲	۱۴۸
هندوراس	۳۸۷	۶۲۳	سورینام	۷۵	۱۲۰
مولداوی	۳۸۷	۶۲۳	آنغولا	۶۸	۱۱۰
پاناما	۳۸۷	۶۲۳	السالوادور	۶۸	۱۱۰
قطر	۳۸۷	۶۲۳	کوبا	۶۲	۱۰۱
توگو	۳۸۷	۶۲۳	هند	۵۷	۹۱
پاکستان	۳۵۱	۵۶۶	مراکش	۵۷	۹۱
باهاما	۳۴۹	۵۶۲	ترینیداد و توباگو	۵۷	۹۱
لبنان	۳۴۰	۵۴۷	کویت	۴۵	۷۲
بولیوی	۲۸۷	۴۶۱	زیمباوه	۴۵	۷۲
فدراسیون روسیه	۲۸۱	۴۵۲	تایلند	۳۹	۶۳
عربستان سعودی	۲۸۱	۴۵۲	کرواسی	۳۳	۵۳
سومالی	۲۷۴	۴۴۲	ترکیه	۳۳	۵۳
فیلیپین	۲۵۷	۴۱۴	سوریه	۲۱	۳۴

1. ABED, George T. and DAVOODI, Hamid R. (2002): Corruption, Structural Reforms, and Economic Performance in the Transition Economies, in: George T. Abed and Sanjeev Gupta (Ed.): Governance, Corruption, & Economic Performance, International Monetary Fund, Publication Services, Washington, D.C.; pp. 489-537.
2. AIDT, Toke S. (2003): Economic Analysis of Corruption: A Survey, in: Economic Journal, 113 (491); pp. 632-652.
3. AL-MARHUBI, Fahim A. (2000): Corruption and Inflation, in: Economics Letters, 66 (2); pp. 199-202.
4. ALESINA, Alberto and WEDER, Beatrice (2002): Do Corrupt Governments Receive Less Foreign Aid?, in: American Economic Review, 92 (4); pp. 1126-1137.
5. ARON, JANINE (2000): Growth and Institutions: A Review of the Evidence, in: World Bank Research Observer, 15 (1); pp. 99-135.
6. AIZENMAN, Joshua and GLICK, Reuven (2003): Military Expenditure, Threats, and Growth, National Bureau of Economic Research, NBER Working Paper 9618, Cambridge.
7. BAHMANI-OSKOOEE, Mohsen and NASIR, Abm (2002): Corruption, Law and Order, Bureaucracy and Real Exchange Rate, in: Economic Development and Cultural Change, 50 (4); pp. 1021-1028.

8. BAI, C.-E. and WEI, S.-J. (2000): Quality of Bureaucracy and Open-Economy Macro Policies, National Bureau of Economic Research, NBER Working Paper 7766, Cambridge.

9. BARDHAN, Pranab (1997): Corruption and Development: A Review of Issues, in: Journal of Economic Literature, 35 (3); pp. 1320-1346.

10. BARRETO, Raul A. (2001): Endogenous Corruption, Inequality and Growth: Econometric Evidence, School of Economics, Adelaide University, Working Paper No. 01-2, Adelaide.

11. BARRO, Robert J. (1997): Determinants of Economic Growth: A Cross-Country Empirical Study, MIT Press, Cambridge.

12. BRUNETTI, Aymo and WEDER, Beatrice (1998): Investment and Institutional Uncertainty: A Comparative Study of Different Uncertainty Measures, in: Weltwirtschaftliches Archiv, 134 (3); pp. 513-533.

13. BRUNETTI, Aymo; KISUNKO, Gregory and WEDER, Beatrice (1998): Credibility of Rules and Economic Growth: Evidence from a Worldwide Survey of the Private Sector, in: The World Bank Economic Review, 12 (3); pp. 353-384.

14. BRUNETTI, Aymo (1997): Political Variables in Cross-Country Growth Analysis, in: Journal 16

15. Of Economic Surveys, 11(2), pp 163-190

16. CAMPOS, Edgardo J.; LIEN, Donald and PRADHAN, Sanjay (1999): The Impact of Corruption on Investment: Predictability Matters, in: World Development, 27 (6); pp. 1059-1067.

17. DI TELLA, Rafael and SCHARGRODSKY, Ernesto (2003): The Role of Wages and Auditing During a Crackdown on Corruption in the City of Buenos Aires, in: Journal of Law and Economics, 46 (1); pp. 269-292.

18. DREHER, Axel (2004): IMF and Economic Growth: The Effects of Programs, Loans, and Compliance with Conditionality, mimeo.

19. DREHER, Axel; KOTSOGIANNIS, Christos and MCCORRISTON, Steve (2004a): Comparative Corruption, mimeo.

20. DREHER, Axel; KOTSOGIANNIS, Christos and MCCORRISTON, Steve (2004b): Corruption Around the World: Evidence from a Structural Model, mimeo.

21. DREHER, Axel; KOTSOGIANNIS, Christos and MCCORRISTON, Steve (2005): How do Institutions Affect Corruption and the Shadow Economy? mimeo.

22. DREHER, Axel and SIEMERS, Lars-H. R. (2003): The Intriguing Nexus Between Corruption and Capital Account Restrictions, mimeo.

23. DREHER, Axel and VAUBEL, Roland (2004): Do IMF and IBRD Cause Moral Hazard and Political Business Cycles? Evidence from Panel Data, in: Open Economies Review, 15 (1); pp. 5-22.

24. EHRlich, Isaac and LUI, Francis T. (1999): Bureaucratic Corruption and Endogenous Economic Growth, in: Journal of Political Economy, 107 (6); pp. 270-293.

25. FOELLMi, Reto and OECHSLIN, Manuel (2003): Who Gains from Non-Collusive Corruption?, Institute for Empirical Research in Economics, University of Zürich, Working Paper Series No. 142, Zürich.

26. FRIEDMAN, Eric; JOHNSON, Simon; KAUFMANN, Daniel and ZOIDO-LOBATON, Pablo (2000): Dodging the Grabbing Hand: The Determinants of Unofficial Activity in 69 Countries, in: Journal of Public Economics, 76 (3); pp. 459-493.

27. GUPTA, Sanjeev; DAVOODI, Hamid R. and ALONSO-TERME, Rosa (2002): Does Corruption Affect Income Inequality and Poverty?, in: George T. Abed and Sanjeev Gupta (Ed.): Governance, Corruption, & Economic Performance, International Monetary Fund, Publication Services, Washington, D.C.; pp. 458-486.

28. GUPTA, Sanjeev; DAVOODI, Hamid R. and TIONGSON, Erwin R. (2002): Corruption and the Provision of Health Care and Education Services, in: George T. Abed and Sanjeev Gupta (Ed.): Governance, Corruption, & Economic Performance, International 17

29. Monetary Fund, Publication Services, Washington, D.C.; pp. 254-279.

30. GUPTA, Sanjeev; DE MELLO, Luiz and

SHARAN, Raju (2001): Corruption and Military Spending, in: *European Journal of Political Economy*, 17 (4); pp. 749-777.

31. GYIMAH-BREMPPONG, Kwabena (2002): Corruption, Economic Growth, and Income Inequality in Africa, in: *Economics of Governance*, 3 (3); pp. 183-209.

32. HALL, Robert E. and JONES, Charles I. (1999): Why Do Some Countries Produce So Much More Output Per Worker Than Others?, in: *Quarterly Journal of Economics*, 114 (1); pp. 83-116.

33. HANSSON, Åsa (2000): Government Size and Growth: An Empirical Study of 21 OECD Countries, in: HANSSON, Åsa, *Limits of Tax Policy*, Lund Economics Studies Number 90: Chapter 4.

34. HERZFELD, Thomas and WEISS, Christoph R. (2003): Corruption and Legal (In)effectiveness: an Empirical Investigation, in: *European Journal of Political Economy*, 19 (3); pp. 621-632

35. HINES, James R. (1995): *Forbidden Payments: Foreign Bribery and American Business After 1977*, National Bureau of Economic Research, NBER Working Paper No. 5266, Cambridge.

36. HONLONKOU, Albert (2003): Corruption, inflation, croissance et développement humain durable: Y a-t-il un lien?, in: *Mondes en Développement*, 31 (3); pp. 89-106.

37. HUNTINGTON, Samuel P. (1968): *Political Order*

in *Changing Societies*, Yale University Press, New Haven/ London.

38. ISLAM, Amirul (2004): Economic Growth and Corruption Evidence from Panel Data, in: *Bangladesh Journal of Political Economy*, 21 (2); pp. 185-198.

39. JAIN, Arvind K. (2001): Corruption: A Review, in: *Journal of Economic Surveys*, 15 (1); pp. 71-121.

40. JOHNSON, Simon; KAUFMANN, Daniel and SHLEIFER, Andrei (1997): The Unofficial Economy in Transition, *Brookings Papers on Economic Activity*, 27 (2); pp. 159-239.

41. JOHNSON, Simon; KAUFMANN, Daniel and ZOIDO-LOBATON, Pablo (1998): Regulatory Discretion and the Unofficial Economy, in: *American Economic Review*, 88 (2); pp. 387-392.

42. KAUFMANN, Daniel; KRAAY, Aart and MASTRUZZI, Massimo (2003): Governance Matters III: Governance Indicators for 1996-2002, World Bank, Policy Research Working Paper No. 3106, Washington, D.C.

43. KAUFMANN, Daniel; KRAAY, Art and ZOIDO-LOBATON, Pablo (1999a): Aggregating 18

44. Governance Indicators, World Bank, Policy Research Working Paper No. 2195, Washington, D.C.

45. KAUFMANN, Daniel; KRAAY, Art and ZOIDO-LOBATON, Pablo (1999b): Governance Matters, World

Bank, Policy Research Working Paper No. 2196, Washington, D.C.

46. KAUFMANN, Daniel; KRAY, AART and ZOIDO-LOBATON, Pablo (2002): Governance Matters II: Updated Indicators for 2000/01, World Bank, Policy Research Working Paper No. 2772, Washington, D.C.

47. KNACK, Stephen and KEEFER, Philip (1995): Institutions and Economic Performance: Cross-Country Test Using Alternative Institutional Measures, in: *Economics and Politics*, 7 (3); pp. 207-227.

48. LAMBSDORFF, Johann Graf (1998): An Empirical Investigation of Bribery in International Trade, in: *European Journal of Development Research*, 10 (1); pp. 40-59.

49. LAMBSDORFF, Johann Graf (2003): How Corruption Affects Persistent Capital Flows, in: *Economics of Governance*, 4 (3); pp. 229-243.

50. LEITE, Carlos and WEIDMANN, Jens (2002): Does Mother Nature Corrupt? Natural Resources, Corruption, and Economic Growth, in: George T. Abed and Sanjeev Gupta (Ed.): *Governance, Corruption, & Economic Performance*, International Monetary Fund, Publication Services, Washington, D.C.; pp. 159-196.

51. LI, Hongyi; XU, Lixin Colin and ZOU, Heng-Fu (2000): Corruption, Income Distribution, and Growth, in: *Economics and Politics*, 12 (2); pp. 155-182.

52. MAURO, Paolo (1995): Corruption and Growth,

in: Quarterly Journal of Economics, 60 (3); pp. 681-712.

53. MAURO, Paolo (1996): The Effects of Corruption on Growth, Investment, and Government Expenditure, International Monetary Fund, IMF Working Paper WP/96/98, Washington, D.C.

54. MAURO, Paolo (1998): Corruption and the Composition of Government Expenditure, in: Journal of Public Economics, 69 (2); pp. 263-279.

55. MARSHALL, Monty G. and JAGGERS, Keith (2000): Polity IV Project: Political Regime Characteristics and Transitions, 1800-2000, <http://www.cidcm.umd.edu/inscr/polity/>.

56. MÉON, Pierre-Guillaume and SEKKAT, Khalid (2005): Does Corruption Grease or Sand the Wheels of Growth?, in: Public Choice, 122 (1/2); pp. 69-97.

57. MO, Pak Hung (2001): Corruption and Economic Growth, in: Journal of Comparative Economics, 29 (1); pp. 66-79.

58. MYRDAL, Gunnar (1971): Asian Drama: An Inquiry into the Poverty of Nations, Allen Lane The Penguin Press, London

59. NEEMAN, Zvika; PASERMAN, Daniele and SIMHON, Avi (2004): Corruption and Openness, Department of Economics, Hebrew University, Working Paper No. 353, Jerusalem.

60. PELLEGRINI, Lorenzo and GERLAGH, Reyer

(2004): Corruption's Effect on Growth and its Transmission Channels, in: *Kyklos*, 57 (3); pp. 429-456.

61. POIRSON, Hélène (1998): Economic Security, Private Investment, and Growth in Developing Countries, International Monetary Fund, IMF Working Paper WP/98/4, Washington D.C.

62. REINHART, C. M. and ROGOFF, K. S. (2004): The Modern History of Exchange Rate Arrangements: A Reinterpretation, in: *Quarterly Journal of Economics*, 119 (1); pp. 1-48.

63. REJA, Binyam and TALVITIE, Antti (2000): The Industrial Organization of Corruption: What is the Difference in Corruption Between Asia and Africa, International Society for New Institutional Economics, Tübingen; 22-24 September 2000.

64. ROCK, Michael T. and BONNETT, Heidi (2004): The Comparative Politics of Corruption: Accounting for the East Asian Paradox in Empirical Studies of Corruption, Growth and Investment, in: *World Development*, 32 (6); pp. 999-1017.

65. SHLEIFER, Andrei and VISHNY, Robert (1993): Corruption, in: *Quarterly Journal of Economics*, 108 (3); pp. 599-617.

66. SMARZYNSKA, Beata K. and WEI, SHANG-JIN (2000): Corruption and Composition of Foreign Direct Investment: Firm Level Evidence, National Bureau of Economic Research, NBER Working Paper No. 7969, Cambridge.

67. TANZI, Vito and DAVOODI, Hamid R. (2002a): Corruption, Public Investment, and Growth, in: George T. Abed and Sanjeev Gupta (Ed.): Governance, Corruption, & Economic Performance, International Monetary Fund, Publication Services, Washington, D.C.; pp. 280-299.

68. TANZI, Vito and DAVOODI, Hamid R. (2002b): Corruption, Growth, and Public Finances, in: George T. Abed and Sanjeev Gupta (Ed): Governance, Corruption, & Economic Performance, International Monetary Fund, Publication Services, Washington, D.C.; pp. 197-222.

69. WEI, Shang-Jin (1999): Does Corruption Relieve Foreign Investors of the Burden of Taxes and Capital Controls?, World Bank, Policy Research Working Paper No. 2209, Washington D.C. 20

70. WEI, Shang-Jin (2000a): How Taxing is Corruption on International Investors?, in: Review of Economics and Statistics, 82 (1); pp. 1-11.

71. WEI, Shang-Jin (2000b): Local Corruption and Global Capital Flows, in: Brooking Papers on Economic Activity, 30 (2); pp. 303-354.

72. WEI, Shang-Jin (2000c): Negative Alchemy? Corruption and Composition of Capital Flows, OECD Development Centre Technical Papers 165, Paris.

73. WELSCH, Heinz (2004): Corruption, Growth, and the Environment: a Cross-Country Analysis, in: Environment and Development Economics, 9 (5); pp. 663-693.

74. WORLD BANK (2001):
<http://www.worldbank.org/publicsector/anticorrupt/index.ctm>.

75. WORLD BANK (2003): World Development Indicators, CD-Rom, Washington, DC.

76. WORLD BANK (2004):
<http://www.worldbank.org/WBSITE/EXTERNAL/NEWS>
. Accessed April 21, 2004.

77. ZELLNER, Arnold and THEIL, Henri (1962):
Three-Stage Least Squares: Simultaneous Estimation of
Simultaneous Equations, in: *Econometrica* 30; pp. 54-78

آدرس: تهران

خیابان طالقانی- تقاطع خیابان شهید سپهبد قرنی

سازمان بازرسی کل کشور- طبقه دوم

مرکز پژوهش و برنامه ریزی

تلفن : ۶۱۳۶۲-۳۲

E-mail: Researchcenter.gio@gmail.com

www.gio.ir